

# مروری بر دانش های زبانی و ادبی دوره اول متوسطه»

## منادا ( یکی از انواع شبه جمله یا « شبهه جمله »

حرف ندا و منادا : به کلمه ای که مورد ندا قرار می گیرد ، منادا می گویند  
مانند : ای نام تو، بهترین سر آغاز ( ای : حرف ندا / نام تو: منادا  
نکته ها :

۱- حروف ندا یا نشانه های ندا عبارت اند از : ای ، یا ، ایا ، ایها

مانند : یا رب ، ایا منجی بشریت ، ایها الساقی

۲- نشانه ندای « ا » بعد از منادا می آید؛

مانند : حافظِ اِ : حافظ : منادا / اِ : حرف یا نشانه ندا

- گاهی نشانه ندا از جمله حذف می شود ؛

مانند : ای صاحب سخاوت ، رود روان کارون (( ای رود روان کارون ))

۴- گاهی منادا حذف می شود و نشانه ندا به تنهایی در جمله می آید .

مانند : ای همه هستی ز تو پیدا شده ( ای ( کسی که ) همه هستی ز تو پیدا شده )

در این صورت ، منادا ، « کسی که » محذوف است .

۵- نمی توان برای ندا و منادا ، نهاد و گزاره تعیین کرد .

نکته مهم در شمارش تعداد جمله

شبه جمله ها {ندا و منادا و اصوات « جمع صوت »} یک جمله به

حساب

می آیند

نکته هایی در خور توجه برای شناخت برخی اصوات

به عنوان شبه جمله :

۱- گروهی از واژه ها برای بیان عواطف و احساسات اظهار می شوند؛ مانند :

آه ، آخ ، وای ، آی ، به به ، افسوس ، خوشا ، سلام ، درد ، دریغ ، هان ، زنهار ، آفرین

۲- گروهی از واژه ها برای راندن و خواندن حیوانات به کار می روند ؛ مانند:

کیش ، پیشت ، چخ

۳- بعضی از واژه ها از قبیل افسوس ، درود ، سلام و حیف ، از نظر لغوی معنا دارند ؛

اگر تنها به کار روند ، مفهوم یک جمله کامل را می رسانند ، یعنی معنایی مانند جمله دارند

در این صورت به آن ها ، صوت ( شبه جمله ) می گویند ؛ مانند : **حیف** که قدر زمان را نمی دانیم

این واژه ها ( اصوات ) در بعضی موارد ، کاربرد « اسم » دارند ؛ یعنی شبه جمله نیستند؛

مانند :

حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار ( حیف در جمله اسم بوده و نقش مسند دارد )

در گفتن سلام بر همه سبقت می گرفت ( سلام اسم می باشد و نقش مضاف الیه دارد )

۴- اصوات هم ، دارای دو جزء نهاد و گزاره نیستند

## جمله و نکات مربوط به آن

جمله از دو قسمت تشکیل می شود :

الف - نهاد : کلمه با گروهی از کلمه هاست که درباره آن خبر می دهیم ؛ یعنی - « صاحب خبر » است .

ب - گزاره : خبری است که درباره نهاد داده می شود .

مثال : مؤمن برای رهایی از گناه و نافرمانی، بیش تر از گنجشک در قفس ، تلاش می کند

گزاره

نهاد

## نکته ها

۱- گاهی نهاد ، بیش از یک کلمه است که اصطلاحاً به آن ، گروه نهادی می گویند مانند :

خدمات ذوقی و هنری ، نشان دهنده احساسات پاک و خالصانه ایرانیان است .  
گروه نهادی گزاره

۲- گاهی برای دو یا سه جمله ، یک نهاد می آید یعنی نهاد در جمله اول می آید و برای جمله دوم و سوم حذف می شود .

علی به مدرسه آمد و کتاب هایش را برداشت و به سرعت برگشت .  
نهاد گزاره گزاره گزاره

۳- برای پیدا کردن نهاد ، به اول فعل ، چه چیزی ؟ یا چه کسی ؟ اضافه می کنیم و نهاد را

به دست می آوریم؛ مانند :

انقلاب اسلامی ، پرتو امیدی را در دل مردم تاباند . ( چه چیزی تاباند ؟ انقلاب اسلامی: نهاد

علی درس می خوانند . ( چه کسی می خواند ؟ علی )

۴- گزاره از اجزایی تشکیل می شود که فعل جزء اصلی آن است ؛ مانند :

تنهایی بهتر از هم نشین بد است .  
نهاد فعل

گزاره

\*\*\* فعل که مهم ترین جزء جمله است در نثرهای عادی در پایان جمله می آید ، اما در شعرها یا نثرهای تاریخی ، جای مشخصی ندارد ، مانند :

مانند چو عضوی به درد آورد روزگار  
فعل نهاد

گزاره

مادر حسنک زنی بود سخت جگرآور

## { اجزای گزاره }

گفتیم جزء اصلی گزاره ، فعل است ، علاوه بر آن گزاره اجزای دیگری هم دارد که

در این جا برای یادآوری شما به این اجزا ، می پردازیم .

الف ( مفعول : کلمه ای است که کار بر آن واقع می شود .  
نکته ها :

۱- مفعول ، بیش تر با نشانه « را » می آید ؛ مانند: چشمه های خروشان تورا می شناسند .

مفعول

گاهی هم بدون نشانه را می آید . مانند : گل کاشتند .

مفعول

۲- راه شناخت مفعول این است که: به اول فعل ، « چه چیزی را؟ » یا « چه کسی را؟ »

اضافه می کنیم ، اگر معنی بدهد آن فعل ، نیاز به مفعول دارد و مفعول در جواب « چه چیزی را؟ » یا « چه کسی را؟ » می آید؛ مانند :

ما باید مظلوم را یاری کنیم ، چه کسی را یاری کنیم؟ مظلوم را  
مفعول

بار نخست دیدم شهر قدیمی ری چه چیزی را دیدم ؟ شهر قدیمی ری  
مفعول

۳- گاهی در جمله ای « را » وجود دارد ؛ اما نشانه مفعولی نیست ، به عبارت دیگر « را »

همیشه نشانه مفعولی نیست؛ مانند:

تو را تا در آینه زنگار نیست .

او را کار مهمی هست .

در نمونه های فوق فعل های « نیست و هست » نیاز به مفعول ندارند ؛ یعنی با « چه کسی را ؟ و چه چیزی را ؟ » معنی نمی دهند

مس مُسند صفت یا حالتی است که آن را به نهاد نسبت می دهند .

نکته ها :

۱- مسند در جمله هایی می آید که با فعل های « است ، بود ، شد ، گشت ، گردید ،

شود ، باشد ، هست ، نیست ، باد و بُود » پایان پذیرد .

\*\*\*به این فعل ها که مُسند می پذیرند ، فعل های ربطی یا اسنادی می گویند و به جمله هایی که با فعل های اسنادی ، پایان می پذیرند ، جمله های اسنادی ( اسمیه ) می گویند .

۲- راه شناخت مسند این است که : که به اوّل فعل اسنادی ، کلمه های « چگونه ؟ » یا

« چه طور ؟ » را اضافه می کنیم و مسند را به دست می آوریم ؛ مانند :

نفس باد صبا ، مشک فشان خواهد شد . چگونه خواهد شد؟ مشک فشان مسند

پاینده باد ایران چه طور باد ؟ پاینده مُسند

۳- اگر « شد » به معنی « رفت » به کار رود ، فعل اسنادی نیست و نیاز به مسند ندارد؛

مانند : که به باغ آمد از این راه و از آن خواهد شد = ( خواهد شد = خواهد رفت )

۴- اگر فعل های « است ، هست ، و بود » به معنی وجود داشتن به کار روند ، غیر اسنادی

هستند و مسند نمی پذیرند ؛ مانند : هیچ راهی نیستِ کان را نیستِ پایان غم مخور

اگر فعل های « گردید و گشت » به معنی چرخیدن به کار رود ، غیر اسنادی هستند و مسند نمی پذیرند ؛ مانند:  
بس بگردید و بگردد روزگار  
بچرخید بچرخد

**متمم:** کلمه ای است که توضیح بیش تری درباره جمله می دهد .

متمم به کلمه یا گروهی از کلمات گفته که بعد از حرف اضافه قرار می گیرند ، مانند:

به تو دارد امید ایران ابری که به بیابان بر تشنه ای بیارد

حروف اضافه عبارت اند از : در ، بر ، با ، برای ، به سوی ، از بهر ، بهر ، به ، بدون، و...

### تعداد جمله در عبارت

باتوجه به آشنایی مختصری که با جمله و اجزای آن پیدا کردیم باید بدانیم که برای شمارش تعداد جمله به موارد زیر دقت کنیم:

۱- تعداد فعل های موجود و حذف شده در جمله

۲- وجود منادا

۳- توجه به وجود شبه جمله ( شبیه جمله )

{ نکته مهم : دقت کنیم مصدر را فعل در نظر نگیریم زیرا مصدر

اسم است نه فعل

- به این دلیل که مصدر ویژگی فعل از جمله شخص و شمار و

زمان را ندارد

شبه جمله شامل { اصوات و منادا } می باشد .

## { جمله از نظر پیام و مفهوم }

۱- خبری : جمله ای است که از یک کار خبری می دهد ، مانند :

دوستی و پیوند با دیگران ، یکی از مهم ترین نیازهای انسان است .

علامت نگارشی پایان جمله خبری « . » است .

۲- جمله پرسشی : جمله ای که درباره یک عمل یا یک واقعیت سؤال می کند .  
مانند:

چه کسی با من حرف می زند ؟

علامت نگارشی پایان جمله پرسشی ، « ؟ » است .

۳- جمله امری : جمله ای است که در آن مفهوم فرمان ، دستور ، خواهش ،  
توصیه ، نهی و بازداشتن وجود دارد ؛ مانند :

برو کار کن مگو چیست کار

علامت نگارشی پایان جمله امری « . » است .

۴- جمله عاطفی : جمله ای است که یکی از عواطف انسان ؛ مانند: آرزو ، تعجب ،  
تأسف ،

امید ، نفرین ، دعا و ... را بیان می کند؛ مانند:

سپاس باد ، یزدان دانا و توانا را ! ( بیان دعا ) / ای کاش جای آرمیدن بودی!  
( بیان آرزو )

علامت نگارشی پایان جمله عاطفی ، « ! » است .

ضمیمه

همان طور که دانستیم ضمیر کلمه ایست که به جای اسم می آید و از تکرار آن جلوگیری

می کند . ضمیر در فارسی امروز امروز پنج نوع است : شخصی ، اشاره ، مشترک ، پرسشی ، متقابل . که ما در این مبحث به شناخت سه نوع اول آن خواهیم پرداخت .

### ۱- ضمیر شخصی

این ضمیر در جایگاه گروه اسمی قرار می گیرد و مثل فعل برای هر شخص صورتی

متمایز یا متفاوت دارد .

ضمیر شخصی دو شکل جدا و پیوسته دارد .

## ضمیر شخصی جدا

ضمیر جدا مستقل از واژه های دیگر به کار می رود و برای شش شخص صورت های زیر را دارد .

شخص	مفرد	جمع
اول شخص	من	ما
دوم شخص	تو	شما
سوم شخص	او / آن / وی	ایشان / آن ها / آنان



# ضمیر شخصی پیوسته

این ضمیرها کارکرد یا کاربرد مستقل ندارند و همیشه همراه اجزای دیگر کلام به کار

می روند .

شخص	مفرد	جمع
اول شخص	مَ	مان
دوم شخص	تَ	تان
سوم شخص	شَ	شان

## ضمیر اشاره

اگر دو کلمه « آن » و « این » جانشین اسمی شوند ضمیر اشاره نام دارند .  
مانند : تلاش و امیدواری دو عامل موفقیت هستند اما نه این و نه آن یکی می تواند به تنهایی در موفقیت مطلق تأثیر گذار باشند زیرا مکمل هم هستند .  
این و آن در همراه مرجع می آیند چنان که در عبارت فوق مرجع این و آن به ترتیب:

تلاش و امیدواری است .

نکته : اگر این و آن بدون مرجع ذکر شوند اسم مبهمند ، زیرا بر شخص یا اشخاص نامعین

دلالت می کنند .

مانند: اعتماد کردن به سخن این و آن شایسته نیست .

## ضمير مشترك

- « خود » ضمير مشترك است . که به جای شش شخص به کار می رود .
- « خویش » و « خویشان » برخی مواقع به جای « خود » به کار می روند .
- در فارسی امروز بعد از خود معمولاً ضمير پیوسته می آید : خودم ، خودت ، خودش
- خودمان ، خوتان ، خودشان

## { ساخت اسم }

- واژگان در زبان فارسی به دو جزء ساده و غیرساده تقسیم می شوند .
- و در یک تقسیم بندی دیگر به چهار نوع : ساده ، مرکب ، مشتق ، مُشتق - مرکب
- واژه یا اسم ساده : واژه ای است که تنها از یک جزء ساخته شده باشد و به دو جزء یا
- بیش تر تقسیم نشود ؛
- مانند: آب ، قلم ، کتاب ، کوه ، دریا ، مدرسه ، صدف ، گل ، باد ، آتش و ...

## ﴿ واژه ( اسم مشتق ) ﴾

- اسمی که از یک « تکواژ » ( یک جزء معنی دار ) و یک یا چند « وند » ( جزء معنی ساز ) تشکیل شود:
- مانند : رفتن ، رفتار ، آمیزه ، کمانک ، کردار ، دانش ، بهاره ، روش ، گفتار و ...
- یادآوری : برخی از واژه های غیرساده را مُشتق می گویند .
- مانند نمونه های بالا و دانش که از دان ( جزء معنی دار ) و ـش ( جزء معنی ساز )
- شده است .

نمونه هایی از وندها که همراه جزء معنی دار یا تکواژ می آیند .  
ی ، ار ، ه ، ـِ ش ، ستان ، گاه ، زار ، چه ، واره ، بان ، ن ، ک  
ا ،

## واژه (اسم مرکب)

اسمی که بیش از یک جزء داشته باشد  
و از ترکیب دو یا چند جزء معنی دار ساخته شود .  
مانند: مادر بزرگ ، گلاب ، روزنامه  
نمونه های بیش تری از واژه مرکب : خرگوش ، جانماز ، سه تار ،  
گل فروش ، خودنویس ،  
رهاورد ، کارکرد

## اسم مشتق - مرکب

اسمی است که ویژگی های اسم مشتق و اسم مرکب را با هم دارد  
مانند: شیرینی خوران ، زдохورد ، سوزوگداز ، کشاکش ، جست و  
جو ، بگیریبند ،  
مرگ و میر ، دلجویی

## خلاصه واژه ساده و انواع واژگان غیر ساده

الف - ساده : تنها یک جزء معنی دار : قلب

ب - غیر ساده

(مشتق) : تنها یک جزء معنی دار + حداقل یک جزء

معنی ساز(وند) : زرده

مرکب: حداقل دو جزء معنی دار: آبگوشت

مشتق - مرکب : حداقل دو جزء معنی دار و حداقل یک وند

( یا جزء معنی ساز )

پرس و جو

# استثنا

موارد زیر جزء وندهای

مشتق ساز نبوده و اگر همراه

اسم ساده نیز بیایند باز هم

آن اسم ساده می باشد ،

مانند:

گل : ساده

گل ها : ساده

۱- علامت های جمع فارسی و عربی

۲- ( ی ) یای نکره « ناشناس » : کتابی

۳- ( تر ) علامت صفت تفضیلی یا برتر : خوب تر

۴- ( ترین ) علامت صفت عالی یا برترین

بدترین

که در مثال های فوق همگی واژه ساده

# آرایه های ادبی یا زیبایی های ادبی

منظور از آرایه یا زیبایی ادبی در ابیات همان نکاتی است که کاربرد آن ها باعث می شود یک نوشته و یا گفته از سایر گفتارهای معمولی زیباتر و تأثیرگذارتر شود .

مانند: حضرت علی شجاع بود . ( زبانی )

حضرت علی مانند شیر شجاع بود . ( ادبی )

## سجع

آهنگ پایانی جمله های نثر را سجع می گویند، به عبارت دیگر سجع در نثر ، همان قافیه در شعر است .

مانند: هر نفسی که فرو می رود ممدّ حیات است و چون برآید مفرّج ذات ،  
دو واژه « حیات » و « ذات » که در واج های پایانی یکسان هستند سجع دارند .  
توجه!

سجع می تواند آخرین واژه های جمله باشد ، و نیز می تواند بعد از سجع کلمه یا کلماتی

بیاید که عیناً تکرار می شوند( مانند ردیف در شعر ) و حتی در سجع ممکن است بعد از سجع در یک جمله ای اضافه ، وجود داشته باشد که در جمله دیگر به قرینه لفظی

حذف شود . مانند: فعلِ « است » در مثال بالا .

# شکل یا انواع مختلف سجع

- کلمات سجع # گاهی هم در حرف های پایانی و هم در وزن یا آهنگ یکسانند .
- مانند : زاینده و پاینده در عبارت : هنر چشمه زاینده است و دولت پاینده .
- # گاهی فقط در واج های پایانی یکسانند . مانند : نگیرد و نپذیرد در عبارت زیر

...

متکلم را تا کسی عیب نگیرد سخنش صلاح نپذیرد

- # گاهی نیز کلمات سجع تنها در وزن یا آهنگ وجه اشتراک دارند .
- مانند : عمر و مال در نمونه مقابل : مال از بهر آسایش عمر است ، نه عمر از بهر گرد کردن مال

سجع در شعر و نثر به کار می رود و هر عبارتی به کار برده شود به آن « مسجع » می گویند .

## آدم نمایی ( تشخیص )

هرگاه ویژگی های انسان را به غیرانسان نسبت دهیم به آن آرایه « آدم نمایی یا تشخیص »

می گویند .

مانند :

- در فصل بهار گل ها به رهگذران لبخند می زنند .
- در این مثال که لبخند زدن از افعال انسانی است به گل نسبت داده شده است .

## (( تشبیه ))

مانند کردن چیزی به چیز دیگر یا ادعای همانندی میان دو یا چند چیز را گویند .  
ارکان تشبیه:

- ۱- مُشَبَّه ( طرف اول ) : چیزی یا کسی که قصد مانند کردن آن را داریم .
  - ۲- مُشَبَّه بِهِ ( طرف دوم ) : چیزی یا کسی است که مشبه ، به آن مانند می شود .
  - ۳- ادات تشبیه : واژه ای است که نشان دهنده پیوند شباهت است مانند : چو ، چون ، همچون ، به سان ، مانند ، مثل و ...
- وجه شبه : ویژگی یا ویژگی های مشترک بین میان مشبه و مشبه به است . « مشبه به ، باید آن ویژگی را به حدّ کمال داشته باشد یا به داشتن آن معروف باشد .

**مثال : تو همچو بادبهاری گره گشا می باش .**

مشبه ادات مشبه به وجه شبه  
تشبیه

## مراعات النظیر و تلمیح

مراعات النظیر آوردن واژه هایی از یک مجموعه که با هم به نوعی تناسب دارند .

این تناسب می تواند از نظر جنس ، نوع ، مکان ، زمان ، همراهی و... باشد .  
مانند : بر درختی ، شکوفه ای خندید در کتابی ، بهار ، معنا شد .  
در بیت بالا : درخت ، شکوفه ، بهار مجموعه مراعات النظیر را به وجود آورده اند .

تلمیح اشاره ای است به تاریخ ، اسطوره ، قرآن ، یا حدیث . تلمیحات گاه مراعات النظیر نیز هستند .

مانند : پدرم روضه رضوان به دو گندم بفروخت من چرا ملک جهان را به جوی نفروشم؟

به ماجرای گندم ممنوعه خوردن حضرت آدم اشاره دارد .

# تضمین و تضاد

آوردن آیه ، حدیث ، مصراع یا بیتی از شاعری دیگر را در اثنای کلام « تضمین  
می گویند ،

مثال :

« تو نیکی می کن و در دجله انداز » که ایزد در بیابانت دهد باز  
که مصراع اول آن قبلاً در قابوس نامه آمده است و سعدی آن را تضمین کرده  
است ،  
تضاد

آوردن دو واژه با معنی متضاد در سخن را تضاد ( طباق ، مطابقه ) می گویند ،  
مثال :

بار فراق دوستان بس که نشسته بردلم می رود و نمی رود ناقه به زیر  
محملم

## سَمْبُل – تناقض – حس آمیزی

هر یک از عناصر طبیعت را نشانه و مظهر چیزی می دانند که به آن « نماد یا  
سَمْبُل »

می گویند ، مانند : چشمه سَمْبُل پاکی و دریا سَمْبُل بخشنده است ،  
جمع کردن دو ضد با هم به گونه ای که از نظر منطقی جمع آن ها غیرممکن  
باشد ،

را تناقض یا متناقض نما می گویند مانند : ظرف پر از خالی / فریاد بی صدا /  
روشن تاریک

در آمیختن دو یا چند حس را « حس آمیزی » می گویند ، مثال ...

از صدای سخن عشق ندیدم خوش تر یادگاری که در این گنبد دوار بماند  
دیدن صدا : حس آمیزی ، ترکیب حس بینایی و شنوایی



# ارتباط و تناسب واژگان و کلمات هم خانواده

مترادف : از نظر نوشتن و خواندن متفاوتت از نظر معنی با هم مشترک: راحت و آسان ،

نیکی و خوبی ، غم و غصه

مُتَشَابِه : نوشتار و معنی متفاوت ولی در تلفظ ( خواندن ) یک سان می باشند ،

مانند : خویش و خویش / خار و خار

متضاد : نوشتار و تلفظ متفاوت و در معنی ضد هم هستند ، مانند : سیاه و سفید / خوب و بد

## کلمه های هم خانواده

کلمات هم خانواده عربی باید ریشه یا سه حرف اصلی مشترک داشته باشند ،

مثال : طالب ، مطلوب ، مطالب که همگی از ریشه طلب می باشند ،

و در فارسی باید از یک مصدر باشند ، مانند : روش ، رفتار ، روان ، رونده ، که همگی از مصدر رفتن می باشند ،

## قالبه های شعر

### مقدمه

بیت : هر سطر شعر یک بیت خوانده می شود ،

مصراع : کم ترین مقدار سخن موزون ( دارای وزن و آهنگ ) مصراع نام دارد

هر بیت دو مصراع دارد ،

ردیف : یک یا چند واژه یا جمله ای که عیناً در پایان مصراع یا بیت های شعر تکرار

می شود ، ( هم از نظر معنی و هم از نظر نوشتار )

قافیه : کلماتی که حرف یا حروف پایانی آن مشترک است و در پایان مصراع یا بیت

( به تناسب قالب شعری ) می آیند

# مثال

جایی نرسد کس به توانایی خویش      آلا تو چراغ رحمتش داری  
پیش

مصراع اوّل

مصراع دوّم

## یک بیت

گل عذاری ز گلستان جهان ما را بس      در چمن سایه آن سرو روان ما را بس  
قافیه      ردیف      قافیه      ردیف

## قصیده

مصراع اوّل با مصراع های زوج هم قافیه بوده و تعداد ابیات آن بیش از پانزده بیت است ،  
و محتوای آن نیز عمدتاً : مدح ، رثا « مرثیه » ، پند و اندرز ، حکمت و عرفان ،  
وصف و... می باشد .

نمودار قصیده

x _____	x _____
x _____	_____
x _____	_____
x _____	_____
x _____	_____
x _____	_____
x _____	_____

## غزل

مصراع اول با مصراع های زوج هم قافیه است . تعداد بیت ها حداقل ۵ بیت و حداکثر ۱۵

بیت و محتوای آن نیز عرفانه ، عاشقانه و تلفیقی از محتوای عارفانه و عاشقانه است .

### نمودار غزل

× _____	× _____
× _____	_____
× _____	_____
× _____	_____
× _____	_____
× _____	_____
× _____	_____

### قطعه

معمولاً مصراع های زوج هم قافیه اند . تعداد بیت ها حداقل دو بیت و درون مایه یا محتوای قطعه معمولاً اخلاقی ، تعلیمی ، حکایت ، شکایت ، مدح ، هجو ، تقاضا... است .

× _____	_____
× _____	_____
× _____	_____
× _____	_____
× _____	_____

### مسمط تضمینی

شاعر ، شعری از شاعر دیگر را انتخاب می کند و در هر رشته ، خود چند مصراع می سراید و سپس دو مصراع آخر را از شاعر دیگر می آورد و این کار تا پایان شعر تضمین شده ادامه می دهد . بنابراین تعداد رشته ها در مسمط تضمینی با تعداد ابیات

شعر تضمین شده برابر است ، ( نمودار مسقط تضمینی )

سه مصراع اول سروده خود شاعر \_\_\_\_\_

دو مصراع آخر شعر تضمین شده از شاعر \_\_\_\_\_

دیگر

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

## دوبیتی ( ترانه )

از نظر قافیه و تعداد ابیات با رباعی یکسان است ، تفاوت عمده رباعی و دو بیتی در وزن است که اگر اولین هجا یا بخش مصراع کوتاه باشد دو بیتی ، در غیر این صورت

رباعی است ، نمودار دو بیتی

(۱)

× \_\_\_\_\_ × \_\_\_\_\_

× \_\_\_\_\_ \_\_\_\_\_

(۲)

× \_\_\_\_\_ × \_\_\_\_\_

× \_\_\_\_\_ × \_\_\_\_\_

## چهارپاره

دو بیتی هایی است با قافیه های متفاوت که از نظر معنی با هم ارتباط دارند ،